

# جهان‌شهر

پنجشنبه ۱۴ دی ۱۴۰۲

شمارهٔ ۴۰۴۹

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY



سیدمهدی طالبی خبرنگار گروه جهان‌شهر

در هفتم اکتبر، حماس گروهی که گفته می‌شود بین ۲۰ تا ۲۵ هزار نیروی ثبت‌نامی دارد، ضربه‌ای به رژیم صهیونیستی زد که تمام ارتش‌های عربی روی هم رفته تا به امروز نتوانسته‌اند چنین کنند. رژیم صهیونیستی با پشتیبانی و فرماندهی آمریکا، تجاوز به غزه را آغاز کرد تا حماس را نابود و اسرائیل را آزاد کند؛ دو هدفی که هیچ‌کدام آنها محقق نشده است. این اهداف محقق نشد تا صهیونیست‌ها برای جبران شکست تحقیرآمیز، به جای نابودی حماس، ترور رهبران آن به ویژه محمد الضیف، فرمانده گردان‌های القسام و یحیی السنوار، رئیس دفتر حماس را در دستور کار خود قرار دهند. آنها در تحقق این هدف نیز ناکام ماندند. شکست در میدان آن هم در برابر یک تشکیلات و ناکامی در آزادسازی اسراو به دنبال آن فشار افکار عمومی در سرزمین‌های اشغالی، رژیم را ناچار کرد تا برای رهایی از فشار افکار عمومی و کشاندن پای دیگران به بازی در زمین سوخته، چند عملیات ترور در منطقه را طراحی و به اجرا بگذارد. ترور دو فرمانده سپاه در سوریه و به دنبال آن ترور سیدرضی موسوی، مسئول پشتیبانی جبهه مقاومت در سوریه و در ادامه ترور غروب سه‌شنبه صالح العاروری، مرد شماره دو جنبش حماس در همین چهارچوب قابل بررسی است. او را یکی از ارشدترین رهبران حماس و رابط اصلی این جنبش با ایران و حزب‌الله لبنان می‌دانند. گفته می‌شود عاروری کمک زیادی به نزدیکی حماس و حزب‌الله کرده و بر رویکرد «وحدت جبهه‌ها» که دلالت بر هماهنگی نزدیک بین اعضای «محور مقاومت» در مبارزه با اسرائیل دارد، تأکید داشته است.

عاروری در اواسط دهه ۱۹۸۰ زمانی که دانشجوی دانشگاه الخلیل بود، درگیر فعالیت‌های اسلامی شد. او بلافاصله پس از تأسیس حماس و انتفاضه اول به حماس پیوست و به ایجاد شاخه نظامی حماس، لوله‌ای عزالدین القسام کمک کرد. عاروری در سال ۱۹۹۲ توسط رژیم صهیونیستی دستگیر و زندانی شد و تقریباً تمام ۱۸ سال بعد را در زندان گذراند. در سال ۲۰۱۰، او در جریان مذاکره برای آزادی بیش از ۱۰۰۰ اسیر فلسطینی توسط اسرائیل در ازای تنها یک سرباز اسرائیلی رپوده‌شده، آزاد شد.

منابع غربی مدعی هستند عاروری که ابتدا در سوریه، سپس در قطر و درنهایت در لبنان مستقر بود، به عنوان یک فرمانده زیرک با تماس در سراسر خاورمیانه، به ویژه ایران، شهرت پیدا کرد. منابع صهیونیستی مدعی هستند العاروری شبکه‌ها و نفوذ حماس را در کرانه باختری گسترش داد و با فتح، که بر تشکیلات خودگردان فلسطین تسلط دارد، مذاکره کرد. گفته می‌شود عاروری، در کرانه باختری اشغالی، جایی که در آن متولد شد، فردی تاثیرگذار بوده است. او پس از گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین در کرانه باختری، گفت «گزینه دیگری» جز «مقاومت همه‌جانبه» وجود ندارد. از همین رو در سال ۲۰۱۵، خزانه‌داری ایالات متحده، او را به تأمین مالی و هدایت عملیات نظامی حماس در کرانه باختری متهم کرد. ایالات متحده پنج میلیون دلار را برای اطلاعاتی که منجر به دستگیری وی شود، پیشنهاد داد.

در سال ۲۰۱۷ عاروری که قبلاًیکی از اعضای «سیاسی دفتر سیاسی» قدرتمند حماس بود، به عنوان معاون اسماعیل هنیه، رهبر این سازمان انتخاب شد. از آن زمان، او فرستاده بلندپایه این گروه بوده و تقریباً در تمام تصمیمات سیاسی مهم شرکت داشته است. اخیراً، عاروری در مذاکراتی که با میانجیگری قطر انجام شد، نقش ایفا کرد و در آزادی اسرای فلسطینی فعال بود. کارشناسان در اسرائیل گفتند مذاکره‌کننده کهنه‌کار مسئول تهیه فهرستی از کسانی بود که هر دو طرف آزاد می‌کردند.

شاید برای بنیامین نتانیاهو و دولت در آستانه سقوط او، این ترورها در زمان شکست در میدان، برای مدتی بر واقعات سرپوش بگذارد اما یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های محافظ امنیتی، تبعات چنین استراتژی‌هایی است. تحولات چند دهه‌گذشته نشان داده است که استراتژی ترور، نتیجه معکوس داشته باشد. اهداف قبلی ترور توسط اسرائیل به گازدین گفته‌اند که آنها منصرف نشده‌اند بلکه مصمم‌تر شده‌اند؛ و برخی دیگر پیشنهاد می‌کنند هرگونه آسیبی که به سازمان‌های اینچنینی وارد شود، موقتی است. تحلیلگران همچنین می‌گویند عواقب ترورها اغلب بسیار غیرقابل پیش‌بینی است. ترور یک رهبر ممکن است به همان اندازه منجر به ظهور رهبر دیگری شود که به مراتب علیه دشمن صهیونیستی مصمم‌تر است.

منابع صهیونیستی مدعی هستند شهید العاروری از عملیات طوفان الاقصی آگاه بوده است. مشخص نیست این ادعا تا چه اندازه واقعی باشد اما دو سال پیش او در گفت‌وگو با یک خبرنگاری ایرانی (آنا) با گلابه از روند عادی سازی کشورهای عربی با اسرائیل، از «تغییر معادلات» به دست مقاومت سخن گفته و تأکید کرده بود «به‌زودی شاهد اتفاقاتی خواهیم بود که از آن مسرور می‌شوید». دو سال بعد، در هفتم اکتبر این اتفاق افتاد و مقاومت فلسطین، معادلات را به کلی تغییر داد.

### نقش آمریکا در عملیات‌های ترور

عملیات ترور سیدرضی موسوی، مسئول پشتیبانی محور مقاومت در سوریه و صالح العاروری، معاون دفتر سیاسی حماس دارای اضلاعی تاکتیکی و راهبردی است که رژیم صهیونیستی در تأمین هرکدام از آنها بدون آمریکا دارای ضعف است.

به لحاظ تاکتیکی، این عملیات‌های ترور نیازمند پیشرفته‌ترین دستگاه‌ها و شبکه‌های انسانی هستند که خارج از توان رژیم قرار دارند، چراکه اگر رژیم به تنهایی دارای چنین توانی بود، آن را به امروز محول نمی‌کرد. صهیونیست‌ها با وجود تبلیغات پرطمطراق درباره توانمندی‌هایشان در فناوری و ساخت تسلیحات، وابستگی کاملی به آمریکا دارند. به لحاظ انسانی نیز مقدم بر شبکه‌های موساد، شبکه‌های اطلاعاتی غربی در منطقه فعال هستند و اقدامات دیگران از چشمان آنها اغلب دور نمی‌ماند.

به لحاظ راهبردی انجام این دو ترور نیازمند پناهگاهی است تا عاملی که عملیات به نام آن ثبت شده است، بتواند از مجازات و یا مجازات فوری و سطح بالا در امان بماند. در این حوزه نیز به طور آشکار پناهگاه رژیم پس از هر جنبانی آمریکا و توان این کشور است.

به لحاظ کلان حضور آمریکا در جنایات دمشق و بیروت محرز است اما شواهد دیگری نیز برای این موضوع وجود دارد. ساعتی پس از ترور معاون دفتر سیاسی حماس، روزنامه نیویورک تأییز به نقل از دو مقام آمریکایی گزارش داد که رژیم صهیونیستی مسئولیت حمله هوایی به ناحیه جنوبی بیروت را که منجر به ترور صالح العاروری، معاون رئیس دفتر سیاسی حماس شد، بر عهده دارد. این اقدام در ابتدایی‌ترین موضوع نشان‌دهنده تلاش آمریکا برای میرا کردن خود از اتهام و انتقام‌های آتی و متوجه ساختن این ضربات به سمت رژیم است؛ اساساً نقشی نیز که برای یهودیان در غرب آسیا در نظر

جنایت دیروز در کرمان به خوبی نشان داد به چه دلیل آمریکا باید از منطقه اخراج و رژیم صهیونیستی از آن محو شود

# آتش در لانه صهیونیست‌ها



**تروریست‌ها در کرمان ده‌ها زائر سردار دل‌ها را به شهادت رساندند**

## انتقام از قدرت نرم سلیمانی

«بمب‌های منفجرشده از نوع ترکش‌زا بودند که مخصوص گرفتن تلفات از نفرات است. در این نوع بمب از ساچمه یا براده‌های آهن استفاده می‌شود که پس از انفجار تلفات زیادی از جمعیت بگیرد.» این روایت یکی از کانال‌های نزدیک به مقاومت درباره حادثه روز گذشته در مسیر گلزار شهدای شهر کرمان است؛ حادثه‌ای که تا لحظه نگارش گزارش بیش از ۱۰۳ شهید و ۴۱ مجروح داشته است. بلافاصله پس از این عملیات تروریستی، اکانت‌های متعلق به رژیم صهیونیستی با خوشحالی به این جنایت واکنش نشان دادند. اکانت وابسته به موساد در شبکه اجتماعی ایکس نیز نوشت «انفجار اقدامی از سوی سازمان‌های مقاومت محلی» بوده است و در بخشی از ادعای خود نوشت «هدف اسرائیل قتل برای ضربه زدن نیست.» اینکه درنهایت در هماهنگی پشت صحنه این جنایت، چه گروهی مسئولیت آن را قبول می‌کند مشخص نیست، اما شکی وجود ندارد در پس این اقدام، آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار دارند؛ هر چند نمی‌توان از ابعاد این جنایت و ضربه‌ای که بر پیکره ملت ایران نشست، غافل شد اما در میدان نبرد، چنین حرکت تروریستی‌ای نشان‌دهنده استیصال طرف مقابل در اقدام است. صهیونیست‌ها تحت‌شدیدترین فشار در داخل سرزمین‌های اشغالی و پس از آن غزه هستند. ارتش صهیونیستی بر اثر تلفات و شکار بی‌رویه تانک‌های مرکابو، ناچار به عقب‌نشینی از غزه شد. در شمال، حزب‌الله روزانه چندین بار مواضع صهیونیست‌ها را هدف قرار می‌دهد و آنها را مجبور کرده برای سه ماه حضورشان در پناهگاه را تمدید کنند. از ین نیز کشتی‌های اسرائیلی یا به مقصد اسرائیل، هدف حملات ارتش این کشور قرار می‌گیرند. در عراق نیز مقاومت پایگاه‌های آمریکا را زیر ضربه برده است تا فشار بر فرمانده واقعی میدان افزایش یابد. چهار سال پیش آمریکا برای تضمین امنیت رژیم صهیونیستی، حاج قاسم سلیمانی را به شهادت رساند، اما نتنها آن تهدید از میان رفت بلکه صهیونیست‌ها سخت‌تر زیر ضربه رفتند. حالا در آستانه چهارمین سالگرد شهادت این سردار بزرگ، صهیونیست‌ها فهیید‌ه‌اند که شهید سلیمانی ترسناک‌تر و خطرناک‌تر از قاسم سلیمانی است. از این رو آنها دست به جنایتی بزرگ زده‌اند و برای انتقام از سلیمانی و قدرت نرمش، مردم غیرنظامی را به شهادت رساندند تا نشان دهند رژیم تروریست صهیونیستی روی دیگر سکه داعش و تکثیری‌هاست. نتزل اقدامات این رژیم کودک‌کش تروریست، به اقداماتی که گروه‌های تروریستی انجام می‌دهند، بیانگر وضعیت واقعی آنهاست. صهیونیست‌ها ضعیف شده‌اند و مقصر نخست‌گرفتاری امروزشان را در قاسم سلیمانی و قدرت او حتی پس از شهادت می‌دانند. او بود که دست فلسطینی‌ها برای ۷ اکتبر را پر کرد و حماسه‌ساز شد. اگر انتقام از سلیمانی، اوضاع را برای صهیونیست‌ها رو به راه کرد، انتقام از قدرت نرم او نیز چنین حاصلی خواهد داشت.

گفته شده، پیشبرد منافع غرب با خون یهودیان است. همزمان با تلاش آمریکا برای سوق دادن اتهامات و انتقام‌ها به سمت رژیم، پایگاه آکسیوس ادعا کرد آمریکا پیش از عملیات ترور باخبر نبوده و مقامات صهیونیست واکنشگن را در حین عملیات از اجرای آن باخبر کرده‌اند. این خبر نشان می‌دهد آمریکا می‌داند که بی‌اطلاع بودنش از ترور امری غیرقابل باور و خنده‌دار است، از این رو به لحاظ رسانه‌ای قصد دارد ضمن تأیید مطلع بودن خود از این عملیات، آن را محدود به لحظه آخر کند.

نقش پرزنگ آمریکا در ترور مقامات ایرانی و فرماندهان محور مقاومت پاسخ سنگین‌تر به این کشور را ضروری می‌سازد. تا زمانی‌که ضربات تلفات‌گیرانه محور مقاومت در منطقه به سپر بالای واکنشگن یعنی تل‌آویو اصابت کند، آمریکایی‌ها متوقف نخواهند شد. آن‌هم به یک دلیل واضح؛ زیرتبعات اقدامات آمریکا دامنگیر این کشور نمی‌شود.

با توجه به ورود مستقیم آمریکا به درگیری‌ها و گرفتن تلفات از محور مقاومت و کشیده شدن دامنه تجاوزات به ترور رهبران محور، ضروری است حملات به پایگاه‌های آمریکا بر مبنای بروز تلفات در نظامیان این کشور بازنظم شود.

### روند مقابله چه بود؟ الان چیست؟

رژیم صهیونیستی با توجه به بروز روند تکشر قدرت در جهان که باعث شده علاوهبر قدرت‌های جهانی، بار دیگر قدرت‌های منطقه‌ای نیز به بازیگرانی موثر تبدیل شوند، به این درد رسید که اگر دیر بینجد، حیاتش در معرض خطر قرار می‌گیرد. در میان قدرت‌های منطقه‌ای حاضر در غرب آسیا که شامل ایران، ترکیه و عربستان سعودی می‌شوند، تنها خطر بزرگ برای رژیم، ایران بود. ترکیه و عربستان سعودی منافع و سبک بازی متفاوتی نسبت به ایران دارند و از سوی دیگر متحد آمریکا به حساب می‌آیند. صهیونیست‌ها برای آرام‌سازی این دو متحد و همچنین دیگر کشورهای منطقه، با فشار آمریکا عادی سازی را به پیش بردند که یک دستورکار سیاسی بود. آنها اما برای مقابله با ایران و محور مقاومت دستور کار امنیتی را در پیش گرفتند که شامل ضربه به اضلاع محور مقاومت و ناکارآمدسازی نفوذ منطقه‌ای ایران بود. برخلاف تبلیغات، آنچه می‌تواند رژیم صهیونیستی را محو کند، نه سلاح هسته‌ای یا حتی توان موشکی ایران، بلکه نفوذ منطقه‌ای آن است.

بر مبنای این سیاست، رژیم ابتدا قصد داشت بر محور مقاومت در داخل جغرافیای فلسطین غلبه کرده و سپس به سمت لبنان یا سوریه حرکت کند. سرکوب شدید مقاومت در کرانه باختری و حمله به جنین در نیمه نخست

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم